

دیپلماسی تحت فشار



گفت و گوی «اقتصاد ایران» با دکتر حسین سلیمی، استاد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

تتها فرد تعیین کننده دیپلماسی و سیاست خارجی نیست، بلکه تعیین سیاست های خارجی و نوع روابط بین المللی در حوزه ها و مناطق مختلف جهان، توسط مراکز و نهادهای متعددی صورت می گیرد که ممکن است در کنترل رئیس جمهور یا وزیر امور خارجه نباشند. در ضمن، بحرانی شدن و مشکل آفرینی در سیاست خارجی ایران در دوره یاد شده، از زمانی آغاز شد که فضای سیاسی داخلی کشور رو به بسته شدن حرکت کرد. در شرایط امروزی، مسایل داخلی را به هیچ وجه نمی توان از مسایل خارجی جدا کرد.

اولین بحران جدی ایران و اروپا، در زمان رد صلاحیت گسترده داوطلبان انتخابات مجلس هفتم روی داد که موجب محدود شدن روابط سیاسی - اقتصادی ایران و اروپا گردید. در دوره جدید، ادبیات و گفتار سیاست خارجی دولت نهم، مبتنی بر ادامه تنش زدایی نبود. حتی دکتر احمدی نژاد اعلام کردند سیاست خارجی دولت نهم، یک سیاست خارجی تهاجمی فعال خواهد بود. به این ترتیب، بسیاری از اصول سیاست خارجی گذشته کاملاً زیر سؤال رفت. حتی تأکید شد که سیاست خارجی دوران اصلاحات، یک انحراف از مسیر انقلاب اسلامی بوده است. به هر حال، مواضع شدید دولت نهم در قبال آمریکا و بعضاً اروپایی ها در خصوص موضوع هسته ای و مسایل خاورمیانه، چهره جدیدی از ایران که چندی پیش به عنوان منادی گفت و گوی تمدن ها شناخته می شد را در نظام بین الملل به نمایش گذاشت. بر اساس برخی از نظریه های نوین در روابط بین الملل، کشورها بر اساس هویتی که از خود تعریف می کنند در عرصه بین المللی رفتار می نمایند. عنصر غالبی که بعد از انقلاب در سیاست خارجی کشور وجود داشته، شناسایی هویت ایران به عنوان کشوری است که نظام بین المللی را ناعادلانه دانسته و در صدد مبارزه با آن برآمده است.

اقتصاد ایران: آیا شعار "نه شرقی نه غربی"، مؤید هویت جمهوری اسلامی است؟

نه شرقی نه غربی، شعار عدم تعهد بود. ایران می توانست مانند هند، تبدیل به یک کشور غیر متعهد شود. ولی در عمل، ما با این شعار به معارضه با اصول و مبانی نظام بین الملل که آن را ناعادلانه می دانیم، برآمدیم. بنابراین هویت ما در نظام بین الملل یک هویت مبتنی به معارضه با اصول حاکم بر نظام بین المللی است. به همین دلیل، امروز سردادن شعارهای مبتنی بر تنش زدایی با قدرت های حاکم بر نظام بین الملل، ممکن است با هویت تعریف شده از نظام جمهوری اسلامی تا حدودی ناسازگار و متفاوت باشد. جالب این که نگاه آقای احمدی نژاد

اقتصاد ایران: آقای دکتر! به نظر شما سیاست خارجی کشورمان در دوره جدید و پس از جنگ تحمیلی با عراق، چه مراحل را پشت سر گذاشته است؟

در سال های پس از جنگ و در دولت آقای هاشمی، تلاش بر این بود که جهت اصلی سیاست خارجی کشور که تا قبل از آن به اداره جنگ و نوع ویژه ای از انقلابی گری متمرکز بود، قدری تغییر جهت داده و به سمت تنش زدایی که می توانست گسترش مناسبات اقتصادی - سیاسی با دنیای خارج را به دنبال داشته باشد، متمایل شود. این تغییر سیاست، علاوه بر توسعه روابط ایران با دیگر کشورها، استفاده از امکانات موجود در اقتصاد جهانی از قبیل وام های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سایر اعتبارات بین المللی و همچنین فن آوری ها و تکنولوژی های مدرن را برای کشورمان میسر می ساخت. در همین راستا، تغییرات، بازرنگری و نوسازی هایی نیز در حوزه بانک ها و بورس و نیز خصوصی سازی برای رسیدن به استانداردهای جهانی لازم جهت استفاده از کمک های مالی و تکنولوژیکی بین المللی، در کشور انجام گردید. در نتیجه این سیاست ها، روابط ایران با کشورهای اروپایی و شرق آسیا به ویژه کره و ژاپن، بهبود چشمگیری یافت. اما علیرغم اینکه تلاش می شد تا مناسبات ایران با نظام بین المللی به ویژه در حوزه اقتصادی توسعه پیدا کند، به دلیل وجود رگه هایی از انقلابی گری در سیاست خارجی کشور، روند مثبت بهبود جایگاه ایران در جهان، هر از گاهی با بحران های جدی مواجه می شد، به طوری که در پایان دوره دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی، تقریباً رابطه ایران با اروپا که در آن زمان بزرگ ترین شریک تجاری کشورمان بود، به یکی از بحرانی ترین دوران خود رسید و حتی اکثر کشورهای اروپایی، سفرای خود از ایران را فراخواندند.

پس از آن، در دوره نخست ریاست جمهوری آقای خاتمی، همچنان پافشاری بر برخی اصول انقلابی به چشم می خورد که از آن جمله می توان به مواضع ایران در خصوص مسایل فلسطین و لبنان و عدم رابطه با آمریکا اشاره کرد. اما در این دوره، حرکت و تلاش بی سابقه ای در خصوص تنش زدایی و بهبود روابط و مناسبات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور با جامعه جهانی به ویژه کشورهای غربی و عربی صورت گرفت.

اقتصاد ایران: اما جایگاه و روابط ایران با غرب به ویژه اروپاییان از اواخر دوره دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی بدین سو، مجدداً به تیرگی گراییده است. دلیل آن را چه می دانید؟
در نظام جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهور

در مسایل سیاسی از طرف گروه های خارج از دولت، اما تأثیر گذار بر دیپلماسی و سیاست خارجی کشور، بیشتر از نگاه آقای خاتمی مورد استقبال قرار می گیرد. به هر حال، با روی کار آمدن دولت جدید، بسیاری از پیوندها و روابط مستحکمی که در اواسط دوره دولت آقای خاتمی برقرار شده بود، گسسته شده است.

اقتصاد ایران: آیا صدور قطعنامه های اخیر شورای امنیت علیه کشورمان را می توان هزینه تغییر رفتار و سیاست خارجی ایران در دولت جدید دانست؟
قطعاً همین طور است. نظام بین الملل همانند یک ارگانیزم، عنصر نامطلوب و ناهمگون را - به تعریف خودشان - دفع می کند. قطعنامه های اخیر و فشارهای خارجی از جمله اقدامات دفعی نظام بین المللی است که بهانه آن، مسأله هسته ای کشورمان می باشد. به شخصه معتقدم موضوع هسته ای کشورمان آنقدر مسأله بزرگی نیست که بحرانی به وجود آورد، اما همین مسأله در شرایط خاص سیاست خارجی جمهوری اسلامی می تواند بحران زا باشد. مسأله مشابهی برای کشورهای دیگری مانند برزیل و ژاپن هم به وجود آمد، اما نظام بین المللی با کشورهای یاد شده مشکلی پیدا نکرد، چرا که این کشورها هیچ وقت نظام بین المللی را به چالش نکشیدند و از سوی نظام بین المللی به عنوان یک بازیگر ناسازگار معرفی نشدند. ولی اکنون ایران، یک کشور ناسازگار با نظام بین المللی تفسیر می شود. در این شرایط، پیگیری منافع برنامه هسته ای کشور می تواند برای ما بحران ساز گردد.

اقتصاد ایران: چرا مقامات و مسئولان سیاسی کشور، قطعنامه های اخیر شورای امنیت علیه ایران را غیر قانونی می دانند؟

در نظام بین المللی، بالاترین مرجع صدور حکم، شورای امنیت است. در حال حاضر شورای امنیت در راستای مسأله هسته ای، ایران را به عنوان تهدید کننده صلح و امنیت جامعه جهانی معرفی کرده و در عین حال، کشورمان را موظف به تعلیق کلیه فعالیت های

وجود دارد که در قضیه هسته‌ای هم با درایت و آینده‌نگری عمل کرده و در نهایت بهترین انتخاب را داشته باشند.

از سوی دیگر، هر بحران یا حادثه‌ای همان قدر که می‌تواند خطر آفرین و تهدید کننده باشد، امتیازها و فرصت‌های متعددی هم به همراه می‌آورد برای مثال، از فاجعه‌ای مانند جنگ جهانی دوم، برخی کشورها مانند آلمان و ژاپن، شرایطی برای خود ساختند که باعث شد تا بعد از چند سال، به پیشرفته‌ترین و پیشروترین کشورهای جهان تبدیل شوند. به نظر بنده، وضعیت هسته‌ای ایران، در شرایطی قرار دارد که می‌توان از آن به بهترین نحو استفاده کرد و به واسطه آن تحولی به وجود آورد که علاوه بر حفظ منافع ملی، سبب بازسازی و افزایش نقش ایران در نظام بین‌المللی شود.

اقتصاد ایران: اگر ایران در مواضع هسته‌ای خود پافشاری کند، وقوع چه سناریوهایی را متحمل می‌داند؟

با ادامه پافشاری‌ها، دو حالت ممکن است پیش بیاید. در حالت اول، فشارها بر ایران آنقدر تشدید خواهد شد تا ایران شرایط شورای امنیت را بپذیرد، اگرچه ممکن است ذهنیت خود را تغییر ندهد؛ یعنی در یک حالت فشار و انزوای نه جنگ و نه صلح ادامه حیات بدهد که در نهایت، یک انزوای تدریجی را برای ایران به دنبال خواهد داشت. در حالت دوم، این احتمال وجود دارد که تحولات جهانی و داخلی باعث شود تغییر دیدگاهی در ایران به وجود بیاید و دنیا را عرصه تعامل و همکاری بنگرد و مسلماً در دنیای همکاری و تعامل، امکان برد طرفین حتمی است. ولی مناقشه هسته‌ای ایران در شرایط فعلی، برای ایران و طرف‌های مقابل، حکم یک بازی حذفی را دارد.

اقتصاد ایران: آقای دکتر! جمهوری اسلامی تا چه حد در استفاده از فرصت‌ها موفق بوده است؟ برای مثال، آیا در مسأله ملوانان انگلیسی، توانستیم از فرصت پیش آمده استفاده کنیم؟

بررسی رفتار سیاست خارجی کشور ما در سال‌های گذشته، نشان می‌دهد که از فرصت‌هایمان به خوبی استفاده نکرده‌ایم. در دولت نهم اتفاق جالب این است که تابوی مذاکره با آمریکا شکسته شده و این امر محصول هم نظری ارکان مختلف تصمیم‌گیری کشور بوده است. به نظر بنده، چون این تابو شکسته شده، می‌توان از فرصت‌ها بهتر استفاده کرد. اما ماجرای ملوانان انگلیسی نشان داد که برخلاف تصورات، سیاست خارجی ایران تحول‌پذیر نبوده و ایران پتانسیل ایجاد تغییرات جدی در سیاست و دیپلماسی خود را ندارد. این اتفاق می‌تواند یک نشانه مثبت و پیام روشنی برای کشورهای غربی تلقی شود.

اقتصاد ایران: متشکرم.

اقتصاد ایران: پیشنهاد جنابعالی برای کاهش تبعات قطعنامه‌های اخیر شورای امنیت علیه کشورمان و جلوگیری از صدور قطعنامه‌های بعدی چیست؟

به اعتقاد بنده، روند صدور قطعنامه‌ها به گونه‌ای است که اگر به همین شکل و به صورت پلکانی ادامه پیدا کند، فشارها بر ایران مضاعف خواهد شد. در این شرایط، کمتر کشوری حاضر خواهد شد منافع خود را به دلیل رابطه با ایران، به مخاطره اندازد. لذا اگر تغییری اساسی در سیاست خارجی خود صورت ندهیم، صدور قطعنامه‌های شدیدتر ادامه خواهد یافت. لازم است تأکید کنم تجدیدنظر در سیاست خارجی، به معنای دور ریختن اصول هویت‌ساز کشور نیست. ولی شاید همان‌طور که در دوران آقای خاتمی امکان‌پذیر شد، بتوان با قرائت‌های جدید از اصول سیاست خارجی کشور، تغییرات لازم را در جهت هماهنگی با نظام بین‌الملل با حفظ منافع ملی، ایجاد کرد. تا موقعی که این تغییرات ایجاد نگردد، به نظر می‌رسد بحران‌های موجود در حوزه سیاست خارجی کشورمان وجود خواهد داشت.

اقتصاد ایران: به نظر شما، اصول سیاست خارجی ما، قابلیت تغییر را دارد؟

تمام نظام‌ها از جمله نظام جمهوری اسلامی، قابلیت انطباق با نظام بین‌الملل را دارند. مسلماً اصول نظام ما، ایدئولوژیک‌تر از نظام چین کمونیست نیست. چین کمونیست در پی محور امپریالیزم جهانی بود؛ اما اکنون، به گونه‌ای با سیستم بین‌المللی هماهنگ شده که بالاترین نرخ جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بالاترین نرخ رشد تجارت خارجی جهان را در اختیار دارد.

اقتصاد ایران: موانع پیش‌رو در این انطباق چه هستند؟

مهم‌ترین مانع، موانع ذهنی است. در واقع، ما تعریفی از خودمان در مجامع داخلی و بین‌المللی آرایه کرده‌ایم که شکستن این تعریف یا تجدیدنظر در آن، برای ما به معنی از دست دادن همه چیز است. مانع دیگر، نگاه ایدئولوژیک ما به جامعه جهانی است. تا وقتی جامعه جهانی ما را یک بازیگر نامطلوب تصور می‌کند، ایران همواره درگیر بحران‌های ادواری در سیاست خارجی‌اش خواهد بود. لذا تا زمانی که چنین تلقی در مورد ایران وجود دارد، حتی در صورت حل و فصل مسأله هسته‌ای، بهانه‌ها و مسائلی دیگر برای بحران آفرینی در خصوص ایران و طرد آن از جامعه جهانی، وجود خواهد داشت.

اقتصاد ایران: آیا شرایط فعلی، مزیتی هم برای ایران به همراه داشته است؟

در نهایت شرایط به گونه‌ای رقم خواهد خورد که ایران بین دو راه کلی، مجبور به انتخاب شود. البته با توجه به این که رهبران و مقامات جمهوری اسلامی در شرایط و دوران‌های حاد گذشته در جهت حفظ نظام، همواره تصمیمات عقلایی گرفته‌اند، این امید

هسته‌ای کرده است. پیش از این، تعلیق یک امر داوطلبانه بود، اما در حال حاضر از نظر حقوقی، امری الزام‌آور شده است. حال با توجه به این که طبق منشور سازمان ملل متحد - که ایران هم آن را امضاء کرده است - عالی‌ترین مرجع رسیدگی به مسائلی تهدیدکنندگان و ناقضان صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت است، لذا به صرف ناعادلانه دانستن قطعنامه‌های صادره توسط شورا از سوی ایران، تغییری در حکم و الزامات شورا ایجاد نخواهد شد. همراهی دوستان کشورمان در خصوص دادن رأی مثبت به قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران، خود نشانگر وجود اجماع جهانی علیه ما می‌باشد. در واقع، همه کشورهای عضو شورای امنیت، به اتفاق، ایران را کشوری ناسازگار در نظام بین‌المللی می‌دانند.

اقتصاد ایران: توجیه و دلایل دولت دکتر احمدی‌نژاد در مورد اتخاذ چنین تصمیماتی در حوزه سیاست خارجی چیست؟

به نظر بنده، استدلال‌های دولت نهم برای اتخاذ چنین سیاست‌هایی در حوزه سیاست خارجی، بر چند پایه استوار است. اولاً، دستگاه فعلی امنیت ملی و سیاست خارجی کشورمان، انرژی هسته‌ای را حق ایران دانسته و معتقد است اگر در مورد این حق کوتاه بیاییم، برای همیشه آن را از دست خواهیم داد. دوم این که، آنها معتقدند روابط بین‌المللی فعلی حاکم بر جهان، کاملاً ناعادلانه است. لذا کشورها باید با اتکا به قدرت و توان خود، در مقابل قدرت‌های برتر ایستادگی کنند و از طریق مقاومت و مبارزه، حقانیت خود را به کرسی بنشانند و حتی اگر لازم باشد، هزینه‌های سنگینی بابت آن بپردازند. در همین راستا، دستگاه سیاست خارجی کشورمان معتقد است در شرایطی که اهرم‌های قدرت آمریکا و کشورهای اروپایی بعد از جنگ عراق رو به ضعف گذاشته است، با مقاومت و استفاده از اهرم‌های موجود و با اتخاذ یک سیاست خارجی فعال و تهاجمی، می‌توان خواسته‌ها و نظرات خود را به کرسی نشانند. ضمن این که با انجام دادن چنین کارهایی به یک قدرت تعیین‌کننده منطقه‌ای تبدیل خواهیم شد.

اقتصاد ایران: آیا در مقابله با فشارهای اروپا و آمریکا، می‌توان به چین و روسیه امید داشت؟

خیر، چون بازیگران حوزه روابط بین‌الملل، بازیگران منفرد و منفک از هم نیستند. یک اشکال جدی سیاست خارجی ما، این است که برخی از مسؤولان و کارشناسان کشورمان، دنیا را به شکل بازیگران منفرد و منفکی می‌بینند که جدا از هم تصمیم می‌گیرند، در حالی که روابط بین‌المللی همانند یک سیستم و ارگانیزم واحد است. لذا وقتی قدرت‌های حاکم در این ارگانیزم با کشوری مشکل پیدا کنند، روابط مجموعه آن قدرت‌ها با آن کشور به مشکل برمی‌خورد. بنابراین نمی‌شود انتظار داشت برخی قدرت‌ها که روابط خوبی هم با ایران دارند، منافع کلان خود در نظام بین‌المللی را فدای منافع محدود حفظ روابط با ایران کنند.